

به نظر شما چه والدینی به فرزند خود آسیب می‌رسانند؟

برخی سبک‌های تربیتی وجود دارد که در آن‌ها کودکان دچار آسیب‌هایی می‌شوند و انعکاس آن را در بزرگسالی در افراد می‌بینیم. در ادامه این والدین و آسیب‌های آنان را به شما عزیزان معرفی می‌کنیم.

والدین بی‌توجه و رهاساز

والدین به دو صورت می‌توانند به فرزندان خود توجه نداشته باشند و به او آسیب برسانند، مثلاً ممکن است او را در خانه تنها بگذارند و یا ساعت‌ها در ماشین منتظرش بگذارند و به او توجه نکنند. ممکن است، از یکدیگر جدا شوند و طلاق بگیرند، در این صورت دیگر به دیدن فرزند خود نمی‌آیند و از لحاظ هیجانی در دسترس فرزندان خود نیستند و نمی‌توانند به فرزند خود توجه و محبت کافی را داشته باشند، در این هنگام فرزندان از توجه و محبت و تشویق محروم خواهند ماند. بر اساس نظر روان‌شناسان نباید با کودک رفتارهایی مانند بی‌اعتنایی و بی‌توجهی انجام گیرد، در این صورت کودک فکر می‌کند که ایراد و مشکلاتی دارد، دوست‌داشتنی نیست و به همین دلیل به او توجه و محبت نمی‌شود.

بسیاری از والدین ممکن است در منزل حضور داشته باشند ولی، به دلیل سرگرم شدن با گوشی همراه، الکل، کتاب، خواب و تلویزیون به کودک خود توجه نکنند و بیشتر به وسایل پناه می‌برند. آن‌ها به این شکل فرزندان خود را رها کرده، به فرزندان توجهی ندارند و از لحاظ هیجانی در اختیار فرزندان نیستند. همچنین بسیاری از پدرها هستند که هنگامی که در خانه‌اند به فرزندان توجه نمی‌کنند و کاری به کار کودک ندارند آن‌ها در خانه حضور فیزیکی دارند، ولی فعال نیستند و با کودک خود به صحبت یا بازی نمی‌پردازند.

وابستگی پدر به فرزند

برخی از پدران، معمولاً تلاش می‌کنند تا به دختر خود بفهمانند؛ هیچ فردی به اندازه کافی برای او خوب نمی‌باشد و یا این که هیچ کسی علاقه ندارد که با او آشنا شود و هیچ‌کس او را نمی‌خواهد و همه جز پدر به او آسیب می‌رسانند. بسیاری از پدران، زمانی که دخترشان به سن بلوغ می‌رسد، دوران سخت و دشواری می‌دانند، زیرا به دخترشان حس عجیبی دارند و نمی‌خواهند او را از دست بدهند و به همین دلیل بر روی دخترشان تسلط می‌یابند.

پدر باید در سن بلوغ به خوبی احساسات خود را با فرزندش تنظیم کند، اگر او نتواند احساساتش را تنظیم کند شرایط سختی را برای دخترش ایجاد خواهد کرد و اجازه نمی‌دهد دخترش با جنس مخالف آشنا شود و درمورد پوشش و نوع لباس بسیار سخت‌گیرانه با او عمل می‌کند. بسیاری از والدین به فرزندان خود وابسته هستند و دوست ندارند هنگامی که فرزندان بزرگ شدند از آن‌ها دور شوند و دوست دارند که فرزندان کنار خودشان باشند. این والدین معمولاً نیازهایشان تأمین نشده است و از فرزندان انتظار دارند تا برای آن‌ها نقش پدر و مادر را ایفا کنند. البته این‌گونه والدین ممکن است به دلایل دیگری مانند فوت همسر، طلاق گرفتن از همسر یا به خاطر این که همسرشان نیازشان را به خوبی برآورده نکرده‌اند به فرزند خود وابسته باشند.

احساس مالکیت نسبت به فرزند

بسیاری از والدین هستند که به فرزندان تسلط و کنترل کاملی دارند، آن‌ها فرزندان را به طور کامل کنترل می‌کنند و از نظر هیجانی او را تحت نفوذ خودشان قرار می‌دهند. مادرانی که نسبت به فرزندان احساس مالکیت می‌کنند و از همان لحظه طفولیت و کودکی دست به کنترل

کودک خود می‌زنند. به طور مثال، مادر، کودک را به خود می‌چسباند و فقط خودش به تنهایی از او مراقبت می‌کند و به دیگران اجازه نمی‌دهد تا از او نگهداری و مراقبت کنند. هنگامی که فرزندان کمی بزرگ‌تر می‌شوند و به سنی می‌رسند که دلشان می‌خواهد جهان اطراف را بشناسند و به طور مستقل به بررسی جهان بپردازند، مادر به احتمال زیاد به خاطر دلایلی مانند ترس از این که شاید فرزندشان آسیب یا صدمه ای ببیند احساس خطر و تهدید کرده و مانع این امر می‌شوند. آن‌ها برای اینکه بتوانند نیازهای هیجانی خودشان را رفع کنند به فرزندشان آویخته می‌شوند و او را تنها نمی‌گذارند. در این شرایط هنگامی که فرزند بزرگ می‌شود، مادر به جای این که کنترل خود را بر روی او کاهش دهد بیشتر سخت می‌گیرد و اصرار دارد تا بداند فرزندش کجاست و او را بسیار کنترل می‌کند و مقررات بسیار سخت و سختی را برای او در نظر می‌گیرد.

انتقاد بیش از حد والدین

بر اساس نظر مشاوران اگر والدین بیش از اندازه فرزند خود را مورد انتقاد قرار دهند، آسیب شدیدی به عزت نفس کودک وارد می‌کنند و اعتماد به نفس او را از بین می‌برند. اگر شخص دیگری نزدیک کودک نباشد تا به برگرداندن اعتماد به نفس کودک کمک کند و او را مورد تشویق قرار دهد در این صورت کودک بسیار صدمه می‌بیند.

اگر والدین نسبت به فرزندشان ایراد بگیرند، فرزند به مرور خودش از خود ایراد می‌گیرد، به طرز فکر دیگران بسیار توجه می‌کند و به شدت نسبت به انتقاد حساس می‌شود. او دیگر دوست ندارد در مورد پیشنهادات و بازخوردهای سازنده چیزی بشنود و حتی موردهای مثبت را گوش نمی‌دهد و توجه نمی‌کند. این کودک در آینده ممکن است خود را مقصر همه چیز بداند و حتی اگر موفق شود، عامل آن را شانس دانسته و خود را فردی ضعیف و نالایق تصور می‌کند. والدین می‌توانند برای این که فرزندانشان را به خوبی تربیت کنند به مشاور مراجعه کنند تا شیوه‌های درست و صحیح فرزندپروری را بیاموزند و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند.

والدین کنترل‌کننده

این والدین همه چیز را به فرزندشان دیکته وار یاد می‌دهند، طرز صحبت کردن، رفتار، لباس پوشیدن و غیره را به فرزندان خود القاء می‌کنند و همیشه به آن‌ها می‌گویند که به خاطر صلاحشان آن‌ها را کنترل می‌کنند و مواظب آن‌ها هستند. این دسته از والدین معتقد هستند که اگر به فرزند خود آزادی بیشتری بدهند؛ ممکن است آسیب‌هایی به او برسد و آن‌ها برای این که فرزند خود را از خطر مصون دارند او را نزد خود نگه می‌دارند. اما آن‌ها با نگه داشتن بیش از حد فرزندشان در کنارشان باعث می‌شوند تا فرزندشان تصمیمات شخصی را به درستی نگیرد و از به دست آوردن تجربه محروم شود. بر اساس نظر روان‌شناسان، والدین بر این باور هستند که فرزندشان همیشه باید از آن‌ها اطاعت کند و زمانی که فرزند آن‌ها از دستورشان سرپیچی کند این حق را به خودشان می‌دهند که او را تنبیه کنند. بر طبق نظر مشاور، والدین تسلط گرا، علاوه بر این که فرزندشان را کنترل می‌کنند، همسرشان را نیز کنترل می‌کنند. آن‌ها هنگام کنترل، غیرقابل انعطاف هستند، بسیار بی‌رحمانه رفتار می‌کنند و ممکن است از خود خشونت نشان دهند و این نیز به شدت به خانواده آسیب می‌رساند.

والدین خرده‌گیر

این‌گونه والدین اشتباهات فرزندشان را در نظر می‌گیرند و هنگام حرف زدن، نگاه کردن، طرز معاشرت، چگونگی انجام دادن تکالیف درسی و غیره انگشت بر روی اشتباهات فرزندشان

می‌گذارند. از نظر آن‌ها فرزند باهوش، دقیق و مؤدبی ندارند و تنها نکات منفی فرزندشان را می‌بینند. این والدین به‌جای این که به کارهای درست و توانایی‌های فرزندشان توجه کنند نکات منفی او را در نظر می‌گیرند و همیشه او را مورد انتقاد قرار می‌دهند. فرزند باید احساس ارزشمندی را از والدینش دریافت کند و اگر والدین او تنها نکات منفی را به او گوشزد کنند او نخواهد توانست این امر را به‌درستی بیاموزد و اگر نتواند احساس ارزشمندی را به دست آورد، با این فکر رشد می‌کند که در آینده مشکلاتی برای او به وجود خواهد آمد.

نوجوانان با والدین سخت‌گیر، بعدها در رابطه عاطفی به مشکل برمی‌خورند

نتیجه یک پژوهش را باهم بخوانیم: نوجوانانی که پدر و مادری سخت‌گیر دارند معمولاً در خود احساس گناه و شرمندگی می‌کنند، اما اکنون یک تحقیق جدید نشان داده است، رفتار این دست پدر و مادرها آسیب‌های جدی به زندگی آینده این کودکان می‌زند. محققان در دانشگاه ویرجینیای آمریکا دریافته‌اند؛ نوجوانانی که با شرایط سخت‌گیرانه والدین رشد کرده‌اند، در بزرگسالی و در ایجاد رابطه و یا ادامه تحصیل مشکل پیدا کرده‌اند. در این تحقیق که نتایج آن در نشریه رشد کودک آمده است، چنین نوجوانانی وقتی به سن ۳۲ سالگی می‌رسند، احتمال کمتری دارد که وارد یک رابطه عاطفی شده باشند و احتمال بیشتری وجود دارد که نتوانسته باشند به درجات تحصیلی عالی برسند. دکتر امیلی لوثب از دانشگاه ویرجینیا می‌گوید: والدین، معلمان و آموزشگران بالینی باید آگاه باشند که چگونه رفتار والدین برای کنترل نوجوان‌ها، در واقع رشد آنها را با اختلال مواجه می‌کند. او می‌افزاید: این روش تربیتی چیزی بیش از تنها یک عقب‌گرد موقت برای رشد نوجوان ایجاد می‌کند، چرا که در واقع به رشد استقلال شخصیتی آن‌ها در یک دوره حساس زندگی‌شان آسیب می‌زند. محققان می‌گویند آسیبی که به این شیوه ایجاد می‌شود به‌سختی قابل‌جبران است. پژوهش جدید بر روی کنترل روان‌شناختی متمرکز است؛ به این معنی که برای مثال والدین وقتی از دست بچه عصبانی هستند عشق و احساسات را از او دریغ می‌کنند یا به بچه احساس گناه می‌دهند که چرا آن‌ها را ناراحت کرده‌اند.

بنابراین پژوهش نوجوانانی که در سن ۱۳ سالگی از والدینی به‌شدت کنترل‌گر و سخت‌گیر برخوردار بوده‌اند، وقتی به سن ۲۷ سالگی رسیده‌اند در روابط عاطفی‌شان به مشکل برخورده‌اند و کمتر در نقش حامی شریکشان ظاهر شده‌اند. در این تحقیق ۱۸۴ نوجوان و جوان که بین ۱۳ تا ۳۲ سال سن داشته‌اند به صورت سالانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پروفیسور جوزف آلن که در این تحقیق مشارکت داشته است، می‌گوید: کنترل کردن بیش از حد نوجوانان توسط والدین این پتانسیل را دارد که به شکلی بنیادی مانع رشد بچه‌ها شوند و به او آسیب بزنند و این چیزی نیست که به‌آسانی قابل‌جبران باشد.

در آخر شما عزیزان می‌توانید برای آشنایی بیشتر با نکات بالا و جلوگیری از آسیب‌های وارد شده به کودکان و یا درمان آن‌ها به روان‌شناسان کودک و نوجوان نیز مراجعه کنید. این عزیزان که در زمینه‌های [مشاوره روانشناسی](#) کودک تخصص دارند می‌توانند شما را راهنمایی کنند. مرکز مشاوره راز ماندگار با همکاری مشاوران متخصص خود در این زمینه می‌تواند شما عزیزان را نیز راهنمایی کند.